



کسانی که نزد امام زمان شرفیاب شدند / وظیفه منتظران؛ تشریف یا تشبه؟

مسئله ای که در مورد غیبت کبری مطرح می شود مسئله تشریف به محضر امام است. این سوال مطرح است که ما می توانیم به محضر امام برسیم یا نه؟ آیا این امر به طور اختیاری یا دائمی ممکن است؟

مسئله ای که در مورد غیبت کبری مطرح می شود مسئله تشریف به محضر امام است. این سوال مطرح است که ما می توانیم به محضر امام برسیم یا نه؟ آیا این امر به طور اختیاری یا دائمی ممکن است؟

به گزارش خبرنگار مهر، متن زیر جلسه چهل و پنجم از سلسله مباحث مهدویت است که توسط حجت الاسلام سیدمحمدباقر علوی تهرانی ایراد شده است.

بر اساس برخی از روایات یکی از محل هایی که برای زندگی امام زمان در دوران غیبت کبری مطرح می شود، جزیره خضراء است.

در منابع تاریخی که در مورد آندلس نوشته اند، از جزیره خضراء به عنوان باب الاندلس یاد کرده اند که در تنگه جبل الطارق است. اینکه این جزیره از چه زمانی به عنوان محل سکونت امام مطرح شده است، دو داستان و قطعه تاریخی برای آن مطرح است.

یکی واقعه ای است که ۷۳۹ سال قبل برای زین الدین علی ابن فاضل مازندرانی اتفاق افتاده است. ایشان می گوید من در ۱۱ شوال ۶۹۱ هجری قمری به آنجا رفته ام.

داستان دوم مربوط می شود به شخصی به نام کمال الدین احمد ابن محمد ابن یحیی انباری. داستان ایشان را محدث نوری در جنت الاماوی نقل می کند. این داستان مربوط به سال ۵۴۳ هجری قمری است.

نکته مهم این است که من خلاصه آنچه که برای علی ابن فاضل مازندرانی اتفاق افتاده را بیان می کنم که علامه مجلسی هم آن را در کتاب بحار نقل کرده است. ایشان بابی را در کتاب بحار باز می کنند به نام نوادر؛ که در مورد کسانی است که به محضر حضرت ولی عصر (عج) مشرف شده اند. چرا نام این باب را نوادر می گذارد؟ به این خاطر که صحت و سقم آن را تأیید نمی کند و چون این داستان مشتمل بر تشریف است آن را ذکر کرده است. مفصل این داستان را به دو کتاب ارجاع می دهم که به آن مراجعه شود.

علی ابن فاضل با یکی از استادان حنفی مذهب خود به مصر سفر می کند و از آنجا عازم سرزمین آندلس و جزایر آن می شود. در ضمن سفر نام جزائر الرافضه را از مردمان آنجا می شنود و تصمیم می گیرد که به آنجا سفر کند. پس از سه روز به جزیره هایی می رسد با برج ها و دژهای مستحکم. مردمان آنجا را شیعه و معتقد می یابد. می پرسد رزق و روزی شما از کجا می آید؟ می گویند از جزیره خضراء در بحر ابیض که محل سکونت فرزندان امام زمان است. از اینجا تا به این محل چهار ماه طول سفر است. او به جزیره خضراء سفر می کند و شخصی را به نام سیدشمس الدین محمد عالم زیارت می کند که خود را نایب خاص امام زمان معرفی می کند. گفتگوها و پرسش ها و پاسخ هایی میان او و سیدشمس الدین انجام می شود. اطرافیان، سید شمس الدین را از نوادگان امام زمان معرفی می کنند.

بنابراین بر اساس برخی از نقل ها در زمان غیبت کبری، جایی به نام جزیره خضراء هم ذکر شده است. اما اینکه جزیره خضراء کجاست؟ انطباق بر مثلث برمودا پیدا می کند؟ واقعیت دارد یا نه؟ محققین به صورت مبسوط بررسی کرده اند. دو کتاب در این زمینه وجود دارد یکی «جزیره خضراء، افسانه یا واقعیت؟» ترجمه و تحقیق ابوالفضل طریقه دار است. ایشان نظرات بزرگانی مثل علامه مجلسی، مرحوم شیخ محمدتقی شوشتری، آیت الله حسن زاده آملی، آیت الله ابراهیم امینی و علامه سیدجعفر مرتضی عاملی را جمع آوری کرده است.

کتاب دوم هم همین نام «جزیره خضراء، افسانه یا واقعیت؟» را دارد که تألیف علامه سید جعفر مرتضی عاملی است که مورخ شهیر و بسیار ارزنده است که این کتاب توسط محمد سپهری ترجمه شده است.

ما هیچ اصراری نداریم که در این مسائل تاریخی اظهار نظری بکنیم چون وظیفه ما این نیست که بگوییم امام زمان در

کجا زندگی می کند، بلکه وظیفه ما این است که منتظر امام زمان باشیم و از ایشان پیروزی کنیم. منتهی چون مطرح شده است، عرض کردم که مخاطبین فکر نکنند که جوابی وجود ندارد. این مسائل خللی در اعتقاد ما در مهدویت ایجاد نمی کند.

مسئله دیگری که در مورد غیبت کبری مطرح می شود مسئله تشریف به محضر امام است. این سوال مطرح است که ما می توانیم به محضر امام برسیم یا نه؟ آیا این امر به طور اختیاری یا دائمی ممکن است؟

دوره زندگی امام به چهار بخش تبدیل می شود. دوره اول از زمان ولادت تا شهادت امام عسکری است که دوره پنهان زیستی آن حضرت است. در این دوره عده ای از شیعیان و خواص شیعیان به صلاحدید امام عسکری، حضرت ولی عصر را ملاقات کرده اند. شخصیت های مورد وثوقی مثل حکیمه خاتون دختر امام جواد، که در کنار حضرت نرجس خاتون در زمان ولادت امام بوده اند، نسیم خادم امام عسکری، ماریه خادم حضرت حجت و... کسانی بودند که در آن ۵ سال شرفیاب محضر آن حضرت شده اند. احمد ابن اسحاق اشعری هم از دیگر این افراد است.

در کتاب کمال الدین ابن روایت آمده است که احمد ابن اسحاق اشعری می گوید «دخلت علی ابی محمد الحسن بن علی علیه السلام و انا ارید ان اسئله عن الخلف بعده، فقال لی مبتدئاً: «یا احمد بن اسحاق! ان الله (تبارک و تعالی) لم یخل الارض و... منذ خلق آدم علیه السلام و لا یخلیها الی ان تقوم الساعة»؛ من حجّه الله علی خلقه، به یدفع البلاء عن اهل الارض و به ینزل الغیث و به ینزل البرکات الارض». قال: فقلت: یا بن رسول الله! فممن الامام و الخلیفه بعدک؟ فنهض علیه السلام مسرعاً فدخل البیت، ثم خرج و علی عاتقه غلام کاتب وجهه القمر لیلہ البدر، من ابناء الثلاث سنین، فقال: «یا احمد بن اسحاق لو لا کرامتک علی الله (عزوجل) و علی حججه، ما عرضت علیک ابنی هذا. انه سمی رسول الله صلی الله علیه و آله و کتبه، الذی یملاء الارض قسطاً و عدلاً»؛ کما ملئت جوراً و ظلماً. یا احمد بن اسحاق!... مثله فی هذه الامه مثل الخضر و مثله مثل ذی القرنین و الله لیغیبن غیبه لاینجو فیها من الهلکه الا من ثبه الله عزوجل و... علی القول بامامته و وفقه فیها للدعاء بتعجیل فرجه». قال احمد بن اسحاق: فقلت له: یا مولای! فهل من علامه یطمئن الیها قلبی؟ فنطق الغلام علیه السلام بلسان عربی فصیح فقال: «انا بقیه الله فی ارضه و المنتقم من اعدائه، فلا تطلب اثرأ بعد عین یا احمد بن اسحاق.»

نزد امام عسکری علیه السلام رفتیم و خواستیم درباره جانشین بعد از خودش سؤال کنیم که به من فرمود: «ای احمد ابن اسحاق! خداوند تبارک و تعالی از زمانی که آدم را خلق نمود، زمین را از حجت خود خالی نگذاشت تا زمانی که هنگام آن فرا برسد که حجت خدا در زمین قیام کند و بلا را از اهل زمین دفع کند و به آنها یاری برساند و به وسیله او، برکات زمین را خارج نماید.» گفتم: ای فرزند رسول خدا صلی الله علیه و آله! امام و جانشین بعد از شما کیست؟ پس برخاست و به سرعت داخل منزل گردید و بر دوش خود، کودکی تقریباً ۳ ساله گذاشته بود، فرمود: «ای احمد بن اسحاق! اگر نزد خداوند (عزوجل) و حجت او، احترام نداشتی، فرزندم را هرگز به تو نشان نمی دادم! اسم و کنیه اش مانند رسول خدا صلی الله علیه و آله است و زمین را پس از اینکه پر از ظلم و جور گردید، سرشار از عدل و داد می نماید. ای احمد بن اسحاق! مثل او در این امت مانند حضرت خضر علیه السلام و حضرت ذی القرنین علیه السلام است. به خدا قسم! غایب می گردد و کسی از این مهلکه نجات پیدا نمی کند، مگر اینکه خداوند عزوجل بخواهد که او نجات پیدا کند و با دعای مردم در تعجیل فرج موفق گردد.» گفتم: ای مولای من! آیا علامتی هست که قلبم به وسیله آن اطمینان یابد؟ پس آن کودک به زبان عربی فصیح فرمود: «من بقیه الله بر روی زمینم و انتقام گیرنده از دشمنانم و پس از این، دیگر چیزی نخواه.»

این فرد و افرادی که مورد وثوق بوده اند در مقطع اول زندگی امام، حضرت را دیده اند.

در دوره دوم زندگی امام که در پی شهادت امام عسکری تا پایان دوران غیبت صغری است، به طور قطع کسانی که حضرت را ملاقات کرده اند، نواب اربعه هستند که واسطه امام و شیعیان بودند.

روایت هم این معنا را تأیید می کند امام صادق فرمودند «لِلْقَائِمِ غَيْبَتَانِ إِحْدَاهُمَا قَصِيرَةٌ وَ الْأُخْرَى طَوِيلَةٌ الْغَيْبَةُ الْأُولَى لَا يَعْلَمُ مِمَّكَانِهِ فِيهَا إِلَّا خَاصَّةٌ شِيعِيَّةٌ» یعنی برای حضرت قائم علیه السلام دو غیبت است: یکی کوتاه و دیگری دراز، ۲۱۵ - ۳ در غیبت اول جز شیعیان مخصوص از جای آن حضرت خبر ندارند.

لذا مشخص می شود که در این دوران حداقل نواب خاص آن حضرت به محضر ایشان رسیده اند.

بخش دیگر دوره ظهور امام است که هرگاه امام خروج کند، همگان امام را می بینند و در این سوالی نیست.

اما بخش دیگر دوره غیبت کبری است. این سوال مطرح است که آیا با اختیار از ناحیه ما چنین ملاقاتی امکان پذیر است یا نه؟

نکته اول این است که اصلاً در دوره غیبت کبری وظیفه ما چیست؟ آیا وظیفه ما این است که ما دستورالعمل‌هایی را اجرا کنیم تا بتوانیم به ساحت امام عصر تشریف پیدا کنیم؟ آیا در دوره غیبت کبری وظیفه ما تشریف است؟ یا اینکه وظیفه ما تشبه است؟ در مورد حضرت سلمان که فرموده اند «سلمان منا هل البیت» و این نشان می‌دهد تشبه به امام امکان پذیر است.

کسی محضر امام صادق شرفیاب شد و در مورد حضرت سلمان صحبت می‌کرد. امام صادق فرمود «لَا تَقُلْ سَلْمَانَ الْقَارِسِيِّ وَ لَكِنْ قُلْ سَلْمَانَ الْمُحَمَّديِّ» یعنی می‌خواهد شباهت را بیان کند.

وظیفه ما نسبت به اهل بیت سه بحث است. اول اینکه بر اساس آیه «قُلْ لَا اسئلكم» و وظیفه ما مودت نسبت به اهل بیت است. دوم اینکه بر اساس آیه «اطيعوا الله واطيعوا» و وظیفه ما اطاعت نسبت به اهل بیت است. سوم اینکه بر اساس آیه «لقد كان لكم في رسول الله اسوة حسنة» و وظیفه ما شباهت پیدا کردن به رسول خدا است.

ما به دنبال زیارت و شفاعت و عنایت آل رسول هستیم ولی ما کمتر شنیده ایم که کسی بگوید من به دنبال شباهت به پیامبر هستم. ما اصلاً به دنبال شباهت نیستیم در حالی که دستور قرآن «لقد كان لكم في رسول الله اسوة حسنة» است. اویس قرنی یک بار هم پیامبر را ندید امام دستور پیامبر را رعایت کرد. وقتی پیامبر وارد مدینه شد فرمود «تَفَوْحُ رَوَائِحِ الْجَنَّةِ مِنْ قَبْلِ قَرْنٍ وَ اَشْوَقَاهُ إِلَيْكَ يَا أُوَيْسُ الْقَرْنِيُّ» چون لازم نیست تو مرا ببینی بلکه لازم است حرف من را گوش دهی.

اگر ما روی قاعده زندگی کنیم، اهل بیت به ما سر می‌زنند.